

دکتر محمد علی همایون کاتوزیان

تضاد دولت و ملت

نظریه تاریخ و سیاست در

ایران

ترجمه علیرضا طیب



نشرنی

۱۱۱ پیشینه نام شرح مختصر خاندان زاهدی، دهانها، مینا، و دیوانه ها، مسالیا، دهانها، ۲۶۱
 ۲۶۱ خاندان زاهدی، دهانها، مینا، و دیوانه ها، مسالیا، دهانها، ۲۶۱
 ۲۶۱ شرح مختصر خاندان زاهدی، دهانها، مینا، و دیوانه ها، مسالیا، دهانها، ۲۶۱
 ۲۶۱ شرح مختصر خاندان زاهدی، دهانها، مینا، و دیوانه ها، مسالیا، دهانها، ۲۶۱
 ۲۶۱ شرح مختصر خاندان زاهدی، دهانها، مینا، و دیوانه ها، مسالیا، دهانها، ۲۶۱

فهرست مطالب

۹ یادداشت مؤلف لغتنامه
 ۱۱ پیشگفتار لغتنامه
 ۱۴ یادداشت لغتنامه
 ۱۵ مقدمه لغتنامه
 ۱۹ یادداشت ها لغتنامه
 ۲۱ ۱. ویژگی های علمی نظریه حکومت خودکامه لغتنامه
 ۳۸ یادداشت ها لغتنامه
 ۴۱ ۲. به سوی نظریه عمومی انقلاب های ایرانی لغتنامه
 ۴۱ چکیده لغتنامه
 ۴۱ طرح مسئله لغتنامه
 ۴۲ قیام های اقتدارستیز لغتنامه
 ۴۳ نظریه عمومی انقلاب ها؟ لغتنامه
 ۵۱ قیام ها و انقلاب های ایران لغتنامه
 ۵۹ دو انقلاب سده بیستم ایران لغتنامه
 ۶۵ جمع بندی لغتنامه
 ۶۷ یادداشت ها لغتنامه
 ۷۳ ۳. فرّه ایزدی و حق الهی پادشاهان لغتنامه
 ۱۰۵ یادداشت ها لغتنامه

۲۶۱	۹. قیام شیخ محمد خیابانی
۲۶۱	پیشینه قیام
۲۶۹	خیابانی
۲۷۵	ریشه‌های قیام خیابانی
۲۸۰	قیام
۲۹۵	شکست خیابانی
۳۰۳	تحلیل قیام
۳۰۶	یادداشت‌ها
۳۱۵	۱۰. مبارزه با قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس
۳۱۵	چکیده
۳۱۵	موضوع
۳۱۶	پیشینه
۳۱۹	مبارزه داخلی با قرارداد
۳۲۶	مبارزه خارجی با قرارداد
۳۳۲	مبارزه فرانسه با قرارداد
۳۳۶	مبارزه آمریکا با قرارداد
۳۴۳	مبارزه روسیه با قرارداد
۳۶۳	قیام خیابانی
۳۶۸	پیاده شدن بلشویک‌ها در انزلی
۳۷۷	تذکرات پایانی
۳۷۸	یادداشت‌ها
۳۸۹	۱۱. تاریخ مالی ایران و سرشت دولت و جامعه
۴۱۰	یادداشت‌ها

۱۱۱	۱. کینه‌های لیبرالیسم اروپایی و مفاهیم نوآزادی در ایران
۱۱۱	موضوع بحث
۱۱۲	حکومت‌های مطلقه اروپایی و حکومت خودکامه ایرانی
۱۱۶	گونه‌های مختلف لیبرالیسم اروپایی
۱۲۳	آزادی چونان حقوق
۱۳۰	آزادی، رُمانتیسم و ملت‌گرایی
۱۳۳	آزادی چونان لجام‌گسیختگی
۱۳۹	فراز و فرود آزادی
۱۴۰	یادداشت‌ها
۱۴۹	۵. آزادی و لجام‌گسیختگی در انقلاب مشروطیت
۱۵۸	تحلیل انقلاب
۱۶۵	تذکری درباره نقش علما
۱۷۳	مشروطیت و هرج و مرج
۱۷۹	تذکرات پایانی
۱۸۱	یادداشت‌ها
۱۹۱	۶. مسائل دموکراسی و حوزه همگانی در ایران نو
۲۰۹	یادداشت‌ها
۲۱۳	۷. در تعصب و خامی و تجلی آن در جامعه کلنگی
۲۲۵	۸. رژیم پهلوی در ایران چونان یک رژیم سلطانی
۲۲۹	حکومت پهلوی، دیکتاتوری، فترت، و سلطانیسم
۲۳۴	دولت و ایدئولوژی
۲۳۷	احزاب سیاسی
۲۴۰	نیروهای مسلح و شبکه‌های امنیتی
۲۴۵	دولت و فساد رسمی
۲۴۹	منطق و روان‌شناسی حکومت خودکامه
۲۵۵	یادداشت‌ها

در این مقاله به بررسی مفهوم دیکتاتوری و انواع آن پرداخته می‌شود. دیکتاتوری به معنای حکومت مطلقه و متمرکز است که در آن قدرت در دست یک نفر یا گروه کوچکی قرار می‌گیرد. این نوع حکومت می‌تواند به دلایل مختلفی ایجاد شود، از جمله بحران‌های سیاسی، فساد در حکومت‌های دموکراتیک یا تهدید امنیت ملی. در ادامه به بررسی ویژگی‌ها و انواع دیکتاتوری‌ها پرداخته می‌شود.

۴۰

پولیتیکال ساینس، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵

پیشگفتار

رشته بررسی‌های ارائه شده در کتاب حاضر به دهه ۱۳۴۰ خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی) بازمی‌گردد. هنوز چندی از انقلاب سفید شاه در سال ۱۳۴۲ نگذشته بود که شورش‌هایی در خرداد همان سال به پا شد و در پی آن، دست طبقات ریشه‌دار اجتماعی به‌ویژه اربابان زمین‌دار، علمای بلندمرتبه، و دیگر گروه‌های سیاسی وفادار به قانون اساسی که خواهان برخی اصلاحات بودند از مشارکت راستین در فرایندهای سیاست و حکومت‌داری کوتاه شد [۱]. نکته مهم، از لحاظ نظری و عملی این بود که دولت به جای طبقات اجتماعی و گروه‌های سیاسی‌ای که از صحنه سیاست کنار گذاشته شده بودند طبقات جدیدی مانند طبقات تجاری و صاحبان حرفه‌های دفتری شهرنشین را پایگاه اجتماعی خود قرار نداد؛ یعنی نظر هیچ طبقه‌ای در اداره امور کشور دخیل نبود تا قدرت سیاسی و حکومت، مشروعیت خود را از آن بگیرد.

برعکس، رژیم پایگاه اجتماعی خود را از دست داد، همه قدرت‌ها و اختیارات را در دست خود متمرکز کرد و هر روز بیش از پیش همه طبقات اجتماعی و عملاً همه جامعه را نسبت به خود دشمن یا (به نسبت هرچه کمتر و کمتری) بی تفاوت ساخت. تغییری که رخ داد تغییر از دموکراسی به دیکتاتوری نبود بلکه نظام مشروطیت محدود (چیزی شبیه دیکتاتوری‌های اروپایی) به حکومت خودکامه تبدیل شد. درآمدهای رو به رشد نفتی که بعدها ارقام سرسام‌آوری پیدا کرد و آزادانه بدست دولت می‌رسید و به دست همان، توزیع می‌شد، سربرآوردن دوباره حکومت خودکامه را تسهیل و تقویت می‌کرد. ولی حکومت خودکامه، زاده این

درآسدها نبود، چه این نظام در تاریخ ایران پدیده‌ای عادی و طبیعی بود. در واقع، پیش از آن نیز یک بار دیگر در پایان دوران حکومت قانونی در فاصله اواخر دهه ۱۳۰۰ خورشیدی (۱۹۲۰ میلادی) و سال ۱۳۲۰ (۱۹۴۱ میلادی) روند مشابهی پا گرفته بود.

در هر حال، به نظر نگارنده چنین می‌آمد که شیوه‌های فکری، مدل‌ها، رویکردها یا نظریه‌های موجود (که همگی عملاً بر پایه نظریه‌هایی استوار بود که درباره تاریخ اروپا پرداخته شده بود) نمی‌توانست تبیین رسا و کارآمدی از رویدادهای اجتماعی و سیاسی جاری ایران به دست دهد و پیامدهای احتمالی آنها را نمایان سازد. برای نمونه، به رغم همه امیدها و آرزوهای بسیاری از فعالان ایرانی و هواخواهان مسلک‌های مختلف، نمی‌شد با هیچ درجه‌ای از احتمال پیش‌بینی کرد که رژیم، در اوج دوران وفور و زمانی که کشور از سطح زندگی متوسطی برخوردار بود که پانزده سال پیش از آن حتی نمی‌شد خوابش را دید، خیلی به سرعت و در نتیجه یک انقلاب مردمی - که عملاً مخالفی نداشت - ساقط شود. علت، آن بود که چنین رخدادی با تاریخ اروپا و عقل سلیم اروپایی، و با تحلیل‌هایی که خواه در ایران، در اروپای غربی، ایالات متحده یا اتحاد شوروی بر پایه آن تاریخ و عقل سلیم ارائه می‌شد تعارض داشت.

از همین رو، لازم به نظر می‌رسید برای بررسی گذشته و حال ایران به کمک رویکردی که به‌راستی توانایی تبیین و پیش‌بینی داشته باشد کوشش به عمل آید. از میانه دهه ۱۳۴۰ خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی) این بررسی به تکوین نظریه‌ای درباره تاریخ، سیاست و جامعه ایران راه برد که آن را در این کتاب تشریح، و با برخی جزئیات پرداخت کرده و در عین حال، در مورد برخی موضوعات خاص در این سه حوزه به کار بسته‌ایم.

به باور نگارنده، این رویکرد و بررسی‌های مبتنی بر آن به ما کمک می‌کند تا تاریخ و سیاست ایران را بهتر بفهمیم، در حالی که بسیاری از رویکردها و بررسی‌های دیگر، چنین موفقیتی به همراه ندارند. این رویکرد به حل بسیاری از مسائل پیچیده و بفرنج، مانند علل دشمنی مستمر میان دولت و جامعه ایران قطع نظر از تغییر حکام، خاندان‌ها، رژیم‌ها، مذاهب و ایدئولوژی‌ها، یعنی علل پاسخگونی دولت و حکومت ناپذیری جامعه، یا علت اینکه چرا انقلاب‌های ایرانی، چه سنتی و چه نو،

قیام تمام جامعه در برابر دولت بوده است نه قیام طبقات اجتماعی پایین‌تر در برابر طبقات اجتماعی بالاتر، کمک می‌کند. بدین وسیله چارچوبی نظری برای بررسی تاریخ ایران از عهد باستان گرفته تا دوران قدیم و نو فراهم می‌آید که دامنه آن فراتر از حد کارهایی که نگارنده تاکنون انجام داده است و در واقع بسیار فراتر از حد توان یک پژوهشگر واحد می‌رود. حتی شاید بتوان از آن برای یافتن رویکردهای واقع‌بینانه‌تر جهت بررسی دیگر جوامعی که ویژگی‌های مشابهی با ویژگی‌های مشهود ایران دارند یا جوامعی که مدل‌ها و نظریه‌های جاقفاده به نظر ناتوان از بررسی آنها بوده‌اند استفاده کرد.

این بخشی از تلاشی مستمر برای نزدیک شدن به مرز دانسته‌هایمان و در یافتن دامنه جهل خودمان است.